

تاریخ ایران کهن

۱۰۷۶۲ تا ۱۴۳۸ پیش از میلاد مسیح
۱۱۳۸۱ تا ۲۰۵۹ پیش از هجرت پیامبر از مکه به مدینه
۸۹۹۴ پیش از میلاد زرتشت تا ۳۳۰ میلاد زرتشت

دکتر هوشنگ طالع

وضعیت فهرست نویسی: فیبا موضوع: ایران - تاریخ - ۱۰۷۶۲ - ۱۴۲۸ ق.م. موضوع: ایران - تاریخ - پیش از اسلام رده بندی کنگره: ۱۴۰ DSR / ط ۲ ت ۲ ۱۳۹۰ رده بندی دیویی: ۰۱/۹۵۵ شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۵۴۴۴۷ شابک: ۵-۳۳-۷۷۷۵-۹۶۴-۹۷۸	سرشناسه: طالع، هوشنگ، ۱۳۱۲ عنوان و نام پدیدآور: تاریخ ایران کهن: ۱۰۷۶۲ تا ۱۴۲۸ پیش از میلاد مسیح (۱۱۳۸۳ تا ۲۰۴۹ پیش از هجرت پیامبر از مکه به مدینه/ ۸۹۹۴ پیش از میلاد زرتشت تا ۳۴۰ میلاد زرتشت// هوشنگ طالع مشخصات نشر: انگرود: سمرقند، ۱۳۹۰ مشخصات ظاهری: ۶۰۲ ص: مصور.
--	---



دکتر هوشنگ طالع

تاریخ ایران کهن

انتشارات سمرقند، چاپ نخست ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰

طرح جلد: پرهون

حروفچین: فاطمه سلطانی

صفحه آرایی: مریم السادات موسویان

ISBN 978-964-7775-33-5

شابک: ۵-۳۳-۷۷۷۵-۹۶۴-۹۷۸

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

نشانی:

Samarghandpub@yahoo.com

فهرست نوشته‌ها

۱	پیش‌گفتار : دیدی نو بر علم تاریخ
۵	دیباچه : ایران کهن ، ایران باستان ، ایران نو
۶	از اسطوره ، به تاریخ
۱۲	گسل دولت فراگیر ملی

دفتر یکم

۲۳	بن‌بشت‌ها (اسناد و مآخذ) کهن ایران
۲۳	گفتار یکم - اوستای کهن
۳۴	گفتار دوم - اوستای نو
۳۸	بخش یکم - گاهان
۴۲	بخش دوم - یسنه
۴۵	بخش سوم - یشته‌ها
۴۷	یکم - آبان یشت
۵۷	دوم - تیر یشت
۵۸	سوم - گوش یشت
۶۳	چهارم - مهر یشت
۶۷	پنجم - رشن یشت
۷۲	ششم - فروردین یشت
۷۵	هفتم - بهرام یشت
۷۶	هشتم - رام یشت
۸۲	نهم - ارت یشت
۸۵	دهم - اشتاد یشت
۸۶	یازدهم - زامیاد یشت
۹۹	بخش چهارم - ویسپرد
۱۰۰	بخش پنجم - خرده اوستا
۱۰۲	بخش ششم - ون‌دی داد (پیش‌داد)

۱۱۴	گفتار سوم - چیترا دات نسک
۱۲۱	گفتار چهارم - بن‌نیشتهای دیگر
۱۲۱	یکم - یادگار زریر
۱۲۸	دوم - کتاب سکی سران
۱۳۰	سوم - کتاب بن‌کش (پیکار)
۱۳۱	چهارم - داستان رستم و اسفندیار
۱۳۲	پنجم - داستان پیران ویسه
۱۳۲	ششم - لهراسب نامه
۱۳۳	گفتار پنجم - بن‌نیشتهای ، در رابطه با تاریخ و تمدن ایران کهن
۱۳۳	یکم - دین کرت
۱۳۵	دوم - بن‌هش
۱۴۰	سوم - شهرستانهای ایران
۱۴۲	چهارم - مینوی فرد
۱۴۳	پنجم - روایت بهلولی
	دشتم -
	دشتم -
۱۴۷	هنگام‌شناسی و آب و هوای ایران کهن
۱۴۷	گفتار یکم - هنگام‌شناسی تاریخ ایران کهن
۱۴۷	یکم - دوره‌ها یا هزاره‌های دوازده‌گانه
۱۵۰	سه هزاره‌ی نخست
۱۵۶	سه هزاره‌ی دوم
۱۵۹	سه هزاره‌ی سوم
۱۶۳	سه هزاره‌ی چهارم
۱۶۳	الف - هزاره‌ی دهم ، هزاره‌ی زرتشت
	ب - هزاره‌ی یازدهم و دوازدهم : دوره‌ی رهاندگان
۱۷۲	(موعودان) یا سوشیانت‌ها
۱۸۰	گفتار دوم - آب و هوای فلات ایران در دوران کهن
۱۸۳	یکم - دوره‌های یخبندان
۱۸۷	دوم - دوره‌های بارانی

۱۸۹	مرحله‌ی بعد از بارانی ۱
۱۸۹	مرحله‌ی بارانی فرعی ۱
۱۹۰	مرحله‌ی بعد از بارانی ۲ الف
۱۹۰	مرحله‌ی بعد از بارانی ۲ ب
۱۹۰	مرحله‌ی بارانی فرعی ۲
۱۹۱	مرحله‌ی بعد از بارانی ۳

دفتر سوم

۱۹۹	گردآوری بن‌نست‌های (اسناد و مدارک) ایران کهن ، پس از ساسانیان
-----	---

دفتر چهارم

۲۳۱	شاه‌نامه و شاه‌نامه سرایی
۲۳۲	گفتار یکم - شاه‌نامه و شاه‌نامه سرایی
۲۳۲	یکم - شاه‌نامه‌ی مسعودی مروزی
۲۴۲	دوم - شاه‌نامه‌ی ابوعلی بلخی
۲۴۴	سوم - گشتاسب‌نامه‌ی دقیقی بلخی
۲۴۸	چهارم - شاه‌نامه‌ی ابوالموید بلخی (شاه‌نامه‌ی بزرگ)
۲۵۲	پنجم - شاه‌نامه‌ی ثعالبی
۲۵۴	گفتار دوم - حماسه‌های ملی
۲۵۴	یکم - گرشاسب‌نامه‌ی اسدی توسی
۲۵۹	دوم - بهمن‌نامه‌ی ایران شاه بن ابی‌الخیر
۲۶۳	سوم - فرامرزنامه
۲۶۶	چهارم - کوش‌نامه
۲۶۸	پنجم - بانو گشاسب‌نامه
۲۷۱	ششم - برزو نامه
۲۷۴	هفتم - شهریارنامه
۲۷۶	هشتم - آذربرزین‌نامه
۲۷۷	نهم - بیژن‌نامه
۲۷۸	دهم - سوسن‌نامه
۲۷۸	یازدهم - لهراسب‌نامه
۲۷۹	دوازدهم - داستان کک کوه‌زاد

۲۸۱	سیزدهم - داستان جمشید
۲۸۲	چهاردهم - جهان گیرنامه
۲۸۵	پانزدهم - سام نامه
۲۸۶	شانزدهم - داستان شیرنگ

دفتر پنجم

۲۹۱	فراگشت تاریخ فرهنگ و تمدن ایران کهن
۲۹۱	گفتار یکم - هزاره‌ی یکم (ایران ویج)
۲۹۵	گفتار دوم - هزاره‌ی دوم (جم وی ونگ هان)
۳۰۱	گفتار سوم - هزاره‌ی سوم و چهارم (کوچ)
۳۱۲	گفتار چهارم - هزاره‌ی چهارم (کوش)
۳۱۸	گفتار پنجم - هزاره‌ی پنجم (کیومرث)
۳۲۱	گفتار ششم - هزاره‌ی ششم (هوشنگ)
۳۳۶	انقلاب صنعتی
۳۴۴	تعمیر و پیدایش خط
۳۴۹	گفتار هفتم - هزاره‌ی هفتم (جمشید)
۳۵۷	انجمن (شورا)
۳۶۹	دولت و حکومت
۳۷۲	فر، فره ایزدی، فر کیانی
۳۷۶	پرواز، عروج
۳۸۰	گفتار هشتم - هزاره‌ی هشتم (آژی دهاک)
۳۸۲	اژدها (مار)
۳۹۷	گفتار نهم - هزاره‌ی نهم (فریدون)
۴۰۳	

دفتر ششم

۴۲۵	دوره‌ی نخست نبرد تورانیان با ایرانیان
۴۲۷	گفتار یکم - بخش کردن جهان از سوی فریدون
۴۳۸	گفتار دوم - روشن سازی جهان بینی (ایده نولوژی) انسانی ملت ایران

- منشور جهانی منوچهر
 ۴۴۳
 گفتار سوم - پیدایش ناسیونالیسم ایران
 ۴۴۷
 گفتار چهارم - نخستین قرارداد مرزی (پایدارسازی مرزهای ایران و توران)
 ۴۵۷
 گفتار پنجم - داستان‌های پهلوانی
 ۴۶۳
 گفتار ششم - زایش تراژدی (داستان پرآب چشم)
 ۴۶۶
 الف - داستان پرآب چشم رستم و سهراب
 ۴۶۷
 ب - سوک سیاوش
 ۴۷۳
 پ - تراژدی اسفندیار
 ۴۷۵
 گفتار هفتم - شکوفایی دانش پزشکی
 ۴۸۱
 گفتار هشتم - تور و تورک، توران و تورکان
 ۴۹۲
 الف - مرزهای ترکستان در سال ۳۲۲ هجری قمری (۳۱۳ خورشیدی)
 ۴۹۶
 ب - مرزهای ترکستان در سال ۳۷۲ هجری قمری (۳۶۱ خورشیدی)
 ۴۹۷
 پ - مرزهای ترکستان در سال ۶۲۱ هجری قمری (۶۰۳ خورشیدی)
 ۴۹۹

دفتر هفتم

هزاره‌ی دهم (زرتشت)

- (دوره دوم جنگ‌های تورانیان با ایرانیان)
 ۵۰۹
 گفتار یکم - سرچشمه‌ی عرفان
 ۵۲۳
 گفتار دوم - زایش فلسفه
 ۵۴۵
 گفتار سوم - شعر ایران
 ۵۵۳
 گفتار چهارم - زن بر سریر شاهنشاهی
 ۵۶۳
 گفتار پنجم - رویین تن
 ۵۶۵

دفتر هشتم

- ایجاد گسل در تاریخ ایران
 ۵۷۵
 گفتار یکم - تداوم بخشیدن به آیین زرتشتی به عنوان یک دین فراگیر
 ۵۸۰
 گفتار دوم - کاستن از عمر جهان
 ۵۹۵

پیوست‌ها

۶۰۱	پیوست شماره یک - داستان‌های پهلوانی و تاریخی
۶۰۱	یکم - شاه‌نامه‌ی پاییزی نسوی
۶۰۴	دوم - ظفرنامه ۶۰۲
۶۰۵	سوم - شهنشاه‌نامه‌ی تبریزی
۶۰۷	چهارم - کرنامه‌ی ربیعی پوشنگی
۶۰۸	پنجم - سام‌نامه‌ی سیف (سیف‌الدین هروی)
۶۰۸	ششم - بهمن‌نامه‌ی آذری توسی
۶۰۹	هفتم - تمرنامه یا تیمورنامه‌ی هاتفی
۶۱۰	هشتم - شاه‌نامه‌ی هاتفی
۶۱۱	نهم - شاهرخ‌نامه‌ی قاسمی گنابادی
۶۱۲	دهم - شاه‌نامه‌ی قاسمی گنابادی
۶۱۳	یازدهم - جنگ‌نامه‌ی کسرم (قسم)
۶۱۳	دوازدهم - جرون‌نامه (هرمزنامه)
۶۱۳	سیزدهم - شاه‌نامه‌ی حیرتی
۶۱۳	چهاردهم - شاه‌نامه‌ی صادق (فتح‌نامه‌ی عباس نامدار)
۶۱۴	پانزدهم - شاه‌نامه‌ی نادری
۶۱۴	شانزدهم - شاه‌نامه‌ی نادری
۶۱۴	هفدهم - شاه‌نامه‌ی صبا
۶۱۵	هژدهم - سالارنامه
۶۱۷	نوزدهم - شاه‌نامه‌ی نوبخت (پهلوی نامه)
۶۲۲	پیوست شماره دو - شاه‌نامه‌های سروده شده به فارسی در عثمانی و هند
۶۲۲	یکم - غزای سلیمانی
۶۲۲	دوم - شاه‌نامه‌ی بهشتی
۶۲۲	سوم - فتوح العجم
۶۲۳	چهارم - شاه‌نامه یا ظفرنامه‌ی شاه جهان
۶۲۳	پنجم - شهنشاه نامه یا مرآت عثمانی
۶۲۳	ششم - وقایع الزمان یا فتح‌نامه‌ی نورجهان بیگم
۶۲۳	هفتم - آشوب هندوستان

۶۲۴	هشتم - فتح‌نامه‌ی صفدری
۶۲۴	نهم - جنگ‌نامه‌ی غلام محمدخان
۶۲۴	دهم - جر جیس رزم آور
۶۲۵	یازدهم - جارج‌نامه
۶۲۵	دوازدهم - قیصر‌نامه
۶۲۵	سیزدهم - میکادو‌نامه
۶۲۵	چهاردهم - قیصر‌نامه

۶۲۶	پیوست شماره سه - مفاهیم راستین سفره‌ی هفت سین
۶۳۰	پیوست شماره چهار - ۱۳ مقدس
۶۳۴	پیوست شماره پنج - ازدهاکشی
۶۳۴	یکم - ازدهاکشی گرشاسب (گرشاسب)
۶۳۷	دوم - نبرد سام با ازدها
۶۳۹	سوم - نبرد رستم با ازدها
۶۴۱	چهارم - ازدهاکشی گشتاسب (گشتاسب)
۶۴۲	پنجم - ازدهاکشی اسفندیار
۶۴۵	پیوست شماره شش - منشور کورش بزرگ
۶۵۵	پیوست شماره هفت - دبیره

۶۶۵	کتاب‌نامه
۶۸۱	نمایه
۶۸۷	نقشه‌ها
۶۸۷	نقشه شماره یک : کوچ سه‌گانه ایرانیان
۶۸۸	نقشه شماره دو : پادشاهی پیشدادیان (کیومرث)
۶۸۹	نقشه شماره سه : شاهنشاهی پیشدادیان (جمشید جم)
۶۹۰	نقشه شماره چهار : شاهنشاهی فریدونیان (منوچهر)
۶۹۱	نقشه شماره پنج : شاهنشاهی کیانیان (کی‌کاووس)
۶۹۲	نقشه شماره شش : شاهنشاهی لهراسبیان (گشتاسب)

پیشکش به مادر، فهمه گنجهای
که شراره‌ی عشق به این سرزمین مقدس را
در من فروزان ترکرد.
روانش به سپتا مینو

پیش‌گفتار

دیدنی نو، بر علم تاریخ

موری بر تنه‌ی درختی لانه داشت. آوندی از آن درخت،
چونان جویباری از کنار آن لانه می‌گذشت و همواره بر مور،
زمزمه می‌کرد.

روزی آن مور به پی‌جویی برخاست و با سنگینی خود،
روی به پایین نهاد. همراه آوند برفت، تا به ریشه‌های درخت
رسید. همراه آن ریشه‌ها، زرفای زمین را کاوید و بسا دانش
بسیار به لانه بازگشت. او می‌دانست که آوند، آن همه آب و
خوراک را چگونه از دل خاک برمی‌گیرد.

مور دانشمند، روزی شاهین تیزبینی را از دانش خود
باخبر ساخت.

شاهین گفت: راست است، چنین می‌آورند؛ اما می‌دانی به
کجا می‌برند؟ و میدانی اگر برای آن «بردن» نبود، هرگز
نمی‌آوردند؟

(آزیر: ناسیونالیسم چون یک علم)

بیش‌تر مردم، درس تاریخ را شرح رخ داده‌ای گذشته می‌دانند. با این
برداشت، تاریخ به صورت درسی زاید و حدیثی بر مردگان جلوه‌گر می‌شود.
گاه نیز به طعنه می‌گویند: تاریخ مربوط به گذشته‌هاست، بهتر است از مسایل

امروز سخن بگوییم .

باید دانست که تاریخ ، تنها شرح حوادث گذشته نیست ؛ بلکه تاریخ ، علمی است برای توجیه هستی‌ها و رویدادهای امروز ، در راستای شناخت سیمای مطلوب جهان فردا .

با این نگرش ، علم تاریخ به معنای نوین آن ، علمی است که استعدادهای یک ملت را که واقعیت‌های جهان فردا خواهند بود ، به ما می‌شناساند . درست است که در بررسی‌های تاریخی، سروکارمان با گذشته است ؛ اما این بدان منظور نیست که گذشته را تنها در قالب گذشته بشناسیم .

پی‌جویی درباره‌ی علل موجودیت‌های کنونی ، گاه ما را به زمان‌های نزدیک و گاه ، به زمان‌های بسیار دور می‌کشاند . برآیند همین بررسی‌هاست که استعدادهای یک ملت را برای حرکت به سوی آینده نشان می‌دهد و تاثیر سامان‌های گوناگون فکری را بر پیکر ملیت‌ها ، آشکار می‌کند .

سرانجام همین بررسی‌هاست که حمیر مایه‌هایی را که در آینده قابل به کارگیری خواهند بود ، به ما می‌نمایاند . باید بدانیم که علم تاریخ و بررسی‌های تاریخی است که اراده‌ی ملت‌ها را در آینده‌ی آن‌ها ، موثر می‌سازد ؛ زیرا :

واقعیت‌های جهان فردا ، در قالب استعدادهای جامعه‌ی امروز وجود دارد

مردم می‌توانند با توجه به استعدادهای موجود ، به پرورش جنبه‌ی ویژه‌ای از آن پرداخته و جامعه را به سوی گزینه‌ای که استعداد آن را دارد ، به حرکت آورند .

البته این سخن ، بدان معنا نیست که اجتماع می‌تواند هر تحولی را که دل‌خواه اوست ، از قوه به فعل درآورد ؛ بلکه جامعه ، تنها توان پیاده کردن برنامه‌هایی را دارد که موجبات آن در نهاد جامعه ، وجود داشته باشد .

در این برداشت از مساله ، جامعه چنان شخصیتهایی است که می‌تواند ، استعدادی را بر استعداد دیگری ترجیح داده و در این فرآیند ، به آینده شکل ویژه‌ای ببخشد .

عامل گزینش نیز خود از پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی است ؛ اما اثر آن ، معطوف به آینده است . به گفته‌ی دیگر : اثری که گذشته و حال ، بر آینده می‌گذارند ، موجب پدید آمدن نیرویی می‌گردد که کشش آن بر زمان حال ، احساس می‌شود .

هنگامی که ساختمانی برپاست ، می‌توان تاریخ ساخت آن را در قالب شرحی از حوادث گذشته ، بررسی کرد . یعنی : می‌توان مشخص کرد که « پی » ساختمان در چه زمانی کُند شده ، چه زمانی دیوارهای آن را ساخته‌اند و چه زمانی ، درهای آن را نصب کرده‌اند و ...

اما ساختمانی که هنوز ساخته شده است ، با کشش خود ، برنامه‌ی کار را نشان می‌دهد . در اصطلاح می‌گویند : ساختمان به این شمار « آجر » ، به این شمار « در » و ... ، نیاز دارد .

گذشته‌ها ، تنها امروز را نساخته‌اند ؛ بلکه فردا را نیز خواهند ساخت . تاریخ به ما نشان می‌دهد که با چه استعدادی ، امروز پدید آمده است و با استعدادهای موجود ، چگونه فردایی پدید خواهد آمد . سرانجام ، تاریخ به ما می‌نمایاند که کدام یک از حرکت‌هایی که امروز وجود دارد ، ناشی از کشش جهان فرداست .

خواسته‌های یک ملت ، عبارت است از کشش‌هایی که جهان فردای آن ملت ، بر مردم امروز تحمیل می‌کند ، تحمیلی دل‌پذیر که امروز با هزاران وسیله ، موجبات آن را فراهم می‌سازیم .

www.ketab.ir

دیباچه

ایران کهن ، ایران باستان ، ایران نو

تاریخ پر فراز و نشیب و بسیار دراز ایران را می‌توان ، سه بخش کرد که عبارتند از : ایران کهن ، ایران باستان و ایران نو .

ایران کهن که درباره‌ی آن ، پژوهش‌های تاریخی ، تمدنی و فرهنگی اندکی به عمل آمده است ، درازترین بخش تاریخ تمدن و فرهنگ این سرزمین را ، دربرمی‌گیرد .

تاریخ ایران کهن از استقرار ایرانی‌ها در ایران ویج ، یعنی از سال ۱۰۷۶۲ پیش از میلاد مسیح (۸۹۹۴ پیش از میلاد زرتشت / ۱۱۳۸۲ پیش از هجرت پیامبر از مکه به مدینه) تا پایان کار دین - دولت باورمند به آیین زرتشت در خاور ایران در سال ۱۴۳۸ پیش از میلاد مسیح (۳۳۰ میلاد زرتشت / ۲۰۵۹ پیش از هجرت پیامبر از مکه به مدینه) را ، شامل می‌گردد .

ایران باستان ، فاصله فروپاشی نخستین دین - دولت باورمند به آیین زرتشت در سال ۱۴۳۸ پیش از میلاد (۳۳۰ میلاد زرتشت / ۲۰۵۹ پیش از هجرت) تا فروپاشی دومین دین - دولت باورمند به همان آیین ، در اثر یورش عربان در سال ۳۰ خورشیدی (۲۴۱۹ م ز / ۶۵۱ م) می‌پاید و پس از آن ، دوره‌ای در تاریخ ایران آغاز

می‌گردد که می‌توان از آن، به عنوان ایران نو (یا به گفته‌ی پاره‌ای تاریخ‌نویسان، دوران اسلامی) نام برد.

در برابر عنوان کهن و باستان، عنوان ایران نو، نام‌گذاری درستی است؛ زیرا اشاره به «دین حاکم» در یک دوره، تاریخ دراز ما را با بخش‌بندی‌های نادرستی مانند، دوران مزدایی، دوران زرتشتی، دوران تساهل و تسامح دینی، دوران مهرایی و دوباره، دوران زرتشتی و ...، روبرو می‌سازد.

از اسطوره، به تاریخ

برخلاف بسیار چیزهایی که در تعریف «اسطوره» گفته‌اند و نوشته‌اند، باید گفت که ره به جایی نبرده‌اند. گاه این گفتارها و نوشتارها، به چندین و چند رویه کشیده می‌شود و گاه، دفتر و کتابی و یا حتی چند دفتر و کتاب را در برمی‌گیرد؛ اما از آن جا که در تعریف ساده‌ی آن عاجز مانده‌اند، نتوانسته‌اند به نتیجه‌ای قابل پذیرش همگان برسند.

هیچ کدام از این گویندگان و نویسندگان، نتوانسته‌اند بر سر یک مساله‌ی مشخص، با عنوان مشخص و با درون مایه‌ی مشخص، تعریفی را پیشنهاد کنند که همگان آن را بپذیرند و ...

در حالی که اسطوره، در یک تعریف ساده و افزون بر آن، جامع و مانع، عبارت است از تاریخی که زمان رخداد یا رخ داده‌های آن، مشخص نمی‌باشد. یعنی دارای هنگام‌شناسی نیست. اگر هم برای آن، هنگامی گفته می‌شود، بر پایه‌ی گمان و پندار است، نه بر پایه‌ی مه و سال و ...

حال هرگاه بتوان بر پایه‌ی گاه‌شماری، هنگام رخ داده‌های یک اسطوره را به دست آورد، در آن صورت، اسطوره بدل به تاریخ می‌گردد و این کاری است که نویسندگان درباره‌ی تاریخی که تا دیروز از آن به نام «عصر اساطیر» نام می‌بردند، انجام داده است.

بدین‌سان ، با آگاهی بر هنگام‌شناسی تاریخ ایران کهن یعنی از زمان استقرار ایرانی‌ها در ایران‌ویج تا فروپاشی نخستین دین - دولت باورمند به آیین زرتشت ، دیگر از این دوران ، نباید به عنوان عصر اساطیر نام برد ؛ بلکه باید از این دوره به عنوان « دوران کهن » و از تاریخ آن ، به نام « تاریخ ایران کهن » یاد کرد .
 ده‌گشای این کار ، محاسبات استاد ذبیح بهروز بر پایه‌ی رصد زرتشت و از این راه ، محاسبه‌ی سال زایش اشو زرتشت بود که بر آغاز هزاره‌ی دهم از گاه‌شمار دوازده هزار ساله ایرانیان قرار دارد .^۱

چنان‌که در بخش مربوط ، به گستردگی درباره‌ی آن سخن گفته خواهد شد ، استاد بهروز کار را در همین حد انجام داد و نتیجه‌گیری را واگذار کرد که نویسنده با بهره‌گیری از کار بزرگ استاد ، آن را به پایان برد .

درازای این دوران (ایران کهن) ، بیش از ۹۳۰۰ سال است . این دوران ، در برگرفته‌ی استقرار ایرانی‌ها در ایران‌ویج ، دوران ورنشینی ، کوچ‌های سه‌گانه و نیز فرمان‌روایی زنجیره‌ی پادشاهی و شاهنشاهی پیش‌دادیان ، فریدونیان ، کیانیان و لهراسبیان است .

بر پایه‌ی داده‌های تاریخی ، سلسله‌ی کیانیان با پایان کار کی خسرو ، پایان می‌گیرد و سلسله‌ی تازه‌ای که باید آن را لهراسبیان نامید آغاز می‌شود ؛^۲

اساطیر کهن با کی خسرو و رفتن او به آسمان ، به سر
 می‌رسیده است و درست به همین دلیل که او فرجامین شاه
 بوده است ، بنا به اساطیر در پایان جهان باز خواهد گشت و
 جاودانه به سلطنت جهان خواهد رسید .

۱ - استاد احمد بیرشک بر این باور است که این رصد از سوی اخترشناسان رصدخانه بلخ انجام شده است که در اصل مساله ، تغییری نمی‌دهد .

۲ - پژوهشی در اساطیر ایران - پاره‌ی نخست - ر ۱۵۲

اما بعدها ، در دوران ساسانیان :^۳

کوشش شد تا لهراسپیان را به کیانیان بچسبانند و بدین سان ، « گشتاسب ، شاه پایان جهان شد که سلطنت را از کی خسرو تحویل خواهد گرفت . ولی افسانه‌هایی که در میان مردم وجود داشته است و در شاه‌نامه نیز منعکس است ، نشان می‌دهد که مردم برعکس روحانیان زرتشتی ، از گشتاسب راضی نبوده‌اند و هم‌چنان اسطوره‌ی سلطنت جادوئی کی خسرو را که پر از عدل و داد بوده است ، پذیرفته و حفظ کرده‌اند .

به نوشته‌ی کتاب‌های دینی زرتشتیان ، کی خسرو پیش از زرتشت به آیین مزدی‌سنا آگاه است . کی خسرو ناپدید می‌شود ؛ اما نمی‌میرد . خویش‌کاری ویژه‌ی او آن است که گرشاسب پهلوان را در زمان ظهور سوشیانس بیدار کرده و در برگزیدن آیین زرتشتی ، او را راهنما باشد و از او بخواهد که ضحاک را که در هزاره‌ی اوشیدرماه ، بند خود را خواهد گسست ، بکشد .^۴

کی خسرو ، در هزاره‌ی سوشیانس ، سوار بر ایزد وای (ویو) به پیش‌باز سوشیانس می‌آید و کارهای نیک خود را به او باز می‌گوید . سوشیانس از کی خسرو می‌خواهد که دین بهی را بپذیرد . بدین سان پس از پذیرش دین بهی ، کی خسرو فرمان روا می‌شود و سوشیانس ، موبدان موبد دوران می‌گردد .^۵

با این جایگاه کی خسرو در آیین زرتشت ، باید پذیرفت که به عمد لهراسب را که از خاندان دیگری است به خاندان کیانیان پیوند زده‌اند تا گشتاسب به عنوان اولین فرمان‌روای ایرانی که دین می‌آورد ، در این سلسله قرار گیرد . در حالی که

۳ - همان

۴ - تاریخ اساطیری ایران - ر ۷۱

۵ - همان

با پایان کار کی خسرو ، کار سلسله‌ی کیانیان نیز به پایان رسید .

برپایه‌ی شاهنامه ، لهراسبیان با کیانیان ، شباهتی ندارند . زشت‌ترین سنتی که در میان آنان به چشم می‌خورد ، طلب کردن تاج و تخت پدر از سوی فرزند می‌باشد . این امر ، در درازای تاریخ ایران زمین تا آن زمان سابقه نداشته است . گشت‌اسب و پسرش اسفندیار ، هر دو در زندگی و تندرستی پدر ، تاج و تختش را طلب می‌کنند . گشت‌اسب با کارهای ناروایی که انجام می‌دهد ، سرانجام پدر را مجبور به واگذاشتن تاج و تخت می‌کند .

اسفندیار فرزند وی نیز به شیوه‌ی پدر ، از گشت‌اسب طلب تخت و تاج می‌کند ؛ اما وی در راه دستیابی به تخت و تاج ، بر اثر توطئه‌ی پدرجان می‌بازد و ...

ترکیب سلسله‌های فرمان‌روا در ایران کهن (برپایه‌ی شاهنامه) ، به شرح زیر است .

پیش‌دادیان	فریدونیان	کیانیان	لهراسبیان
کیومرث	فریدون	کی قباد	لهراسب
هوشنگ	ایرج	کی کاووس	گشت‌اسب
تهمورث	منوچهر	کی خسرو	بهمن
جم جم یا جمشید	نودر		همای
	زوتهماسب		دارا
	گرشاسب		دارا

ضحاک

در آغاز تاریخ تمدن و فرهنگ ایران ، « انسان » آغازگر هزاره و یا انسان برتر هزاره ، نماد هزاره است و هزاره نام او را بر خود دارد .

بدین سان ، همه‌ی کارهایی که در زمینه‌ی پیش‌رفت تمدن و فرهنگ در آن هزاره انجام گرفته است ، به نام اوست . هزاره‌های کیومرث (اسد یا شیر) ، هوشنگ

(سنبله یا خوشک) ، جم جم یا جم شید (میزان یا ترازو) و ضحاک (عقرب یا کژدم) ، از این دست‌اند .

البته از راه اسناد و مدارکی که در شاه‌نامه بازتاب داده شده‌اند ، می‌دانیم که در هزاره‌ی هوشنگ ، شخصیت برتر دیگری نیز مانند تهمورث ، حضور داشته است .

در هزاره‌ی فریدون ، تاریخ شکل دقیق‌تر می‌گیرد . در این هزاره ، در کنار فریدون ، ایر (ج) ، منوچهر ، نوذر ، زوتهماسب (زوتهماسب) ، گرشاسب (گرشاسب) ، کی قباد ، کی کاووس ، کی خسرو ، لهراسب و گشتاسب نیز حضور دارند . بدین سان ، تاریخ کهن ایران که تا این مرحله ، بیش‌تر موضوعی است ، « شخصیتی - موضوعی » می‌شود . یعنی همه‌ی آن چه که در عرض هزار سال در این سرزمین انجام شده ، از پیش‌رفت در زمینه‌ی تمدن و فرهنگ گرفته تا نبردها و ... ، تنها زیر نام فرد شاخص یا نماد هزاره ثبت و ربط نشده است ؛ بلکه دقیق‌تر شده و با نزدیک‌تر شدن به زمان زرتشت ، کارها بر پایه‌ی « شخصیت - موضوع » گزارش گردیده است .

بدین سان ، با توجه به زایش زرتشت که در پایان این هزاره و آغاز هزاره‌ی دهم است ، می‌توان کمابیش زمان زندگی شخصیت‌های هزاره‌ی نهم (هزاره‌ی فریدون) را تعیین کرد .

از آن جا که کوشش بایسته و شایسته ، در زمینه‌ی تعیین « زمان » تاریخ کهن به عمل نیامده است ، برای آسانی کار ، این بخش از تاریخ که از نظر درازای مدت ، بیش‌ترین بخش تاریخ سرزمین‌مان را در برمی‌گیرد ، تحت عنوان « عصر اساطیر » رده‌بندی کرده‌اند . در حالی که این بخش از تاریخ ایران ، از مهم‌ترین و شاید بتوان گفت ، از پربارترین دوران‌های تاریخی ملت ایران است .

برپایه‌ی اسناد و مآخذی که امروزه در دست ما می‌باشند ، تاریخ کهن ایران ، بیش از ۹۳۰۰ سال ، یعنی از استقرار ایرانی‌ها در ایران‌ویج (هزاره‌ی ایران‌ویج) تا

ظهور زرتشت و « پیوند دین و دولت » و سرانجام ، فروپاشی نخستین دین - دولت زرتشتی را در برمی گیرد .

باید با سپاس بسیار گفته شود که راه‌گشای این کار ، شادروان استاد ذبیح بهروز بود . او با دانش ژرف و گسترده‌ای که در رشته‌های گوناگون علم و به ویژه اخترشناسی داشت ، با توجه به رصد زرتشت و مرتب کردن کبیسه‌ها از سوی وی ، تاریخ این رصد و در نتیجه ، تاریخ زایش ، برگزیده شدن به پیامبری و مرگ اشوزرتشت را تعیین کرد .

استاد احمد برشک بر این باور است که این « رصد » از سوی اخترشناسان پایگاه اخترشناسی « بلخ » انجام شده است که در اصل مساله تغییری نمی‌دهد.

ایرانیان کهن بر این باور بودند که عمر زمین ، دوازده هزار سال است . از آن جا که زایش زرتشت در آغاز هزاره‌ی دهم قرار دارد ، استاد ذبیح بهروز با توجه به این امر ، اولین روز آغاز و پایان کار جهان را بر پایه‌ی هزاره‌های دوازده‌گانه محاسبه کرد . محاسبات استاد ذبیح بهروز ، راه را بر زمان‌گذاری بر تاریخ کهن ایران گشود ؛ اما به تنهایی برای انجام این مهم ، کافی نیست .

بررسی و پژوهش بر روی آب و هوای فلات ایران در دوران کهن و باستان و نیز کندوکاو دوره‌های گوناگون تمدن بشر ، مانند دوره‌ی مس ، مفرغ و ... ، تطبیق اسناد و مدارک به جای مانده ، با دوره‌های دوازده هزاره‌ی مالی و نیز دوره‌های گوناگون تمدن بشری و ... ، می‌تواند ما را برای زمان‌گذاری بر تاریخ کهن ایران یاری دهد .

اما درباره‌ی نام کتاب « تاریخ ایران کهن » : در درازای تاریخ این سرزمین ، یعنی از چند هزار سال پیش تا کمابیش دو سده‌ی اخیر ، قلمرو فرمانروایی « دولت ایران » پهنه‌ی « فلات ایران » بود .

فلات یا پشته (نجد) ایران ، یک واحد شناخته شده‌ی جغرافیایی در سطح جهانی است . مرزهای فلات ایران ، در شمال عبارتند از دامنه‌های شمالی کوه‌های قفقاز و رودخانه‌ی سیردریا (سیحون) و از خاوران ، فلات پامیر و رود سند . از جنوب ، اقیانوس هند و خلیج فارس و از باختر ، رودخانه‌ی فرات .

چنان که گفته شد ، این سرزمین پهناور با بیش از چهار هزار کیلومتر مربع وسعت ، در درازای چندین هزار سال ، قلمرو دولت ایران بود . البته در زمان‌های بسیار ، این قلمرو از پهنه‌ی فلات ایران فراتر رفته است و در زمان‌هایی نیز چندین حکومت ایرانی (در آرامش و یا جنگ و ستیز) در کنار هم در این پهنه فرمان‌روایی داشته‌اند .

گسل دولت فراگیر ملی

در درازای تاریخ چندین هزار ساله ایران ، چند بار دولت فراگیر ملی یا وحدت همه‌ی مردمان ایرانی تبار و همه‌ی سرزمین‌های ایرانی‌نشین (شاهنشاهی ایران) ، فرو پاشیده است که پس از گذشت چندین سده ، دوباره ایرانیان موفق به بازسازی آن گردیده‌اند .

تا آن‌جا که بن‌بست‌های تاریخ کهن ما نشان می‌دهند ، نخستین دولت فراگیر ملی ایرانی به مفهوم امروزی آن که به کوتاه سخن ، عبارت است از داشتن سرزمین با مرزهای مشخص ، سلسله مراتب فرمان‌روایی ، دات (قانون) گزاری و دات‌مندی برای اداره‌ی اجتماع و کشور ، شورا به عنوان ضامن میثاق نهاد فرمان‌روایی و مردم و ... ، از سوی کیومرث در سال ۶۷۶۵ پیش از میلاد (۴۹۹۷ پیش از میلاد زرتشت / ۷۳۸۶ پیش از هجرت پیامبر از مکه به مدینه) ، بر پا گردید .

در فروردین یشت (بند ۸۷)، درباره‌ی این رخداد شگرف تاریخی که تا آن زمان بی‌همتا بود، این گونه گزارش شده است:^۶

فره‌وشی کیومرث اشون می‌ستاییم که از او ... خانواده‌ی
سرزمین‌های ایرانی و نژاد ایرانی، پدید آمد.

چنان که می‌بینیم، در بند ۷۸ فروردین یشت، سراسر است و به روشنی و آشکارا، به دو عنصر «خون» (خانواده‌های ایرانی تبار) و «خاک» (سرزمین‌های ایرانی‌نشین)، اشاره گردیده است. با آمیزش دو عنصر «خون» و «خاک» ملت ایران، دولت‌مدار می‌گردد.

دولت فراگیر ملی، عبارت است از پیوستگی همه‌ی مردمان ایرانی تبار (خانواده‌های ایرانی) و همه‌ی سرزمین‌های ایرانی‌نشین (شاهنشاهی ایران) که در قالب «فلات ایران» بلورینه می‌شود.

چنان که اشاره شد، این دولت (دولت فراگیر ملی، شاهنشاهی ایران) یا وحدت همه‌ی سرزمین‌های ایرانی‌نشین و همه‌ی مردمان ایرانی تبار، در درازای تاریخ دیرپای ما، چندین بار از هم گسیخته می‌گردد که دوباره ملت ایران، آن را بازسازی می‌کند.

در اصطلاح امروزی از نیروی «پیش‌ران» ملت ایران در راه ایجاد و نگهداری وحدت همه‌ی سرزمین‌های ایرانی‌نشین و همه‌ی مردمان ایرانی تبار که در قالب دولت فراگیر ملی یا شاهنشاهی ایران بلورینه می‌گردد، با عنوان «پان ایرانیسم»^۷ نام برده می‌شود: نیرویی که هنگام وحدت، دست اندرکار پاس‌داری آن است و هنگام فترت، در پی بازسازی آن.

۶ - اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان - ج ۱ - ر ۴۲۳

۷ - نام «پان ایرانیسم» نخستین بار در سال ۱۳۰۶ خورشیدی (۱۹۲۷ میلادی) از سوی شادروان دکتر محمود افشار یزدی، بر این پدیده کهن گذارده شد.

البته باید به یاد داشته باشیم که اصطلاح پان ایرانیسم، اصطلاحی نوین و امروزی است، بر یک پدیده‌ی کهن. پدیده‌ای، به دیرینگی تاریخ این سرزمین. راستی را که در سرتاسر تاریخ پرفراز و نشیب و دیربود ایران، پان ایرانیسم (در مفهوم ژرف و گسترده‌ی آن)، حاکم بر سرنوشت این ملت و این سرزمین بوده است. چنان که اشاره شد، پان ایرانیسم دارای دو سازوکار است که با وجود دوگونگی خویش کاری (وظیفه)، در حقیقت یک واقعیت است از دو منظر، در قالب «وحدت‌داری» و «وحدت‌سازی».

سازوکار وحدت‌داری پان ایرانیسم، ویژه‌ی دوران‌های وحدت و یگانگی است و سازوکار وحدت‌خواهی، ویژه‌ی دوران‌های تجزیه و پراکندگی. به راستی می‌توان گفت که نیروی راستین پیش‌ران تاریخ ایران یا به گفته‌ی پژوهندگان امروزی، «فلسفه‌ی» تاریخ ایران، «پان ایرانیسم» بوده و هست. «آزیر» از آن، با دانش‌واژه‌ی (اصطلاح) «کشش‌های جهان فردا»، نام می‌برد.

نخستین گسل در تاریخ ایران، فروپاشی دولت فراگیر ملی در پایان هزاره‌ی هفتم (۳۷۶۷ پ م / ۱۹۹۹ پ م ز / ۴۳۸۸ پ ه ب) بر اثر خودکامه شدن جمشید جم و روی‌گردانی مردم از وی، رخ می‌دهد که این گسل، به مدت یک هزار سال که نماد آن حکومت ضحاک و ضحاکیان است، به درازا می‌کشد.

البته این دوره با سخت‌ترین خشک‌سالی تاریخ ایران که مفهوم آن، پیدایی تبه‌کاری، راهزنی، تجاوز، جنگ و زشت‌کاری است، هم زمان است. برپایه‌ی آب و هوای باستانی فلات ایران:^۸

دوران خشک‌سالی [در فلات ایران، حدود ۶ هزار سال قبل از این] کمابیش ۴۰۰۰ پیش از میلاد [به بالاترین

حد رسید؛ اما [۵۵۰۰ سال قبل از این] کمابیش ۳۵۰۰ پیش از میلاد [، یک تغییر فاحش در آب و هوای [فلات] ایران روی داد . در این فرآیند ، سطح دریاچه‌های زیادی که در داخل کوهستان‌ها و یا در حواشی آن قرار داشتند ، شروع به بالا آمدن کرد ...

اما ملت ایران پس از گذشت یک هزار سال ، دوباره موفق می‌شود که در سال ۲۷۶۷ پیش از میلاد مسیح (۹۹۹ پیش از میلاد زرتشت / ۳۳۸۸ پیش از هجرت پیامبر از مکه به مدینه) ، دوباره وحدت سرزمین‌های ایرانی و مردم ایرانی تبار را بازسازی کند و بدین‌سان دوباره دولت فراگیر ملی یا شاهنشاهی ایران را برپا دارد .

چنان که گفته شد ، با فروپاشی دین - دولت زرتشتی در سال ۱۴۳۸ پیش از میلاد مسیح (۳۳۰ م / ۲۰۵۹ پ هج) ، دولت فراگیر ملی یا شاهنشاهی ایران برای بار دیگر از میان رفت .

با این فروپاشی ، دوران کهن تاریخ ایران نیز به پایان رسید و دوران باستان آغاز شد . بدین‌سان ، بار دیگر یک گسل در دولت فراگیر ملی به وجود آمد که تا برپایی دوباره‌ی این دولت در سال ۶۰۵ پیش از میلاد مسیح (۱۱۶۳ م / ۱۲۲۶ پ هج) از سوی کی‌اکسار (هوخستره / پادشاه نیک) ، ۸۳۳ سال به درازا کشید . بار دیگر ، دولت فراگیر ملی بر اثر یورش بربرها ، به سرگردگی اسکندر گجستک ، در سال ۳۳۰ پیش از میلاد مسیح (۱۴۳۸ م / ۹۵۱ پ هج) ، از هم گسیخت ؛ اما این گسل دیر نپایید .

با برپایی دولت اشکانیان (تاج‌گذاری نخستین شهریار اشکانی) در سال ۲۴۷ پیش از میلاد (۱۵۲۱ م / ۸۶۸ پ هج) ، در زمان کوتاهی دوباره وحدت فلات ایران بازسازی شد و دولت فراگیر ملی ، در قالب شاهنشاهی اشکانیان و سپس ساسانیان ، تا سال ۳۰ خورشیدی (۶۵۱ میلادی / ۳۰ م هج) پایید .

در این سال با کشته شدن یزدگرد سوم در مرو بر اثر یورش تازیان ، برای چندمین بار ، دولت فراگیر ملی یا وحدت همه‌ی ایرانی تباران و همه‌ی سرزمین‌های ایرانی‌نشین (شاهنشاهی ایران) ، دست‌خوش پریشانی و تجزیه گردید؛ اما با تاج‌گذاری شاه اسماعیل صفوی در سال ۸۸۰ خورشیدی (۱۵۰۱ میلادی / ۹۰۷ م.ق) ، پس از یک گسل ۸۵۰ ساله ، بار دیگر دولت فراگیر ملی برپا گردید.

با ظهور دولت عثمانی در این بخش از جهان ، هجوم دولت مزبور به سرزمین‌های دولت ایران ، چندین سده به درازا کشید . به دنبال فراز و فرودهای بسیار در جنگ‌های میان دو دولت ، بخش‌هایی از سرزمین‌های ایران در غرب از دست رفت که مرزهای کنونی در غرب ایران زمین ، حاصل آن است.

با آغاز سده‌ی نوزدهم میلادی ، دولت ایران مورد یورش سازمان یافته‌ی استعمارگران اروپایی یعنی امپراتوری‌های روس و انگلیس قرار گرفت . در دوره‌ای کم‌تر از هفتاد سال ، دولت ایران از سوی دو امپراتوری مزبور ، تجزیه شد . بخش‌های پهناوری از آن ، تحت سلطه‌ی روس‌ها و بخش‌هایی نیز زیر چنگ بریتانیا قرار گرفت .

چنان که گفته شد ، با آغاز سده‌ی نوزدهم میلادی فراگشت تجزیه‌ی دولت ایران در اثر یورش نظامی روسی‌ها و انگلیسی‌ها آغاز شد و در فاصله‌ی زمانی میان ۱۱۹۲ تا ۱۲۶۰ خورشیدی (۱۸۱۳ تا ۱۸۸۱ میلادی) یعنی در عرض ۶۸ سال ، دولت فراگیر ملی یا شاهنشاهی ایران تجزیه شد . قراردادهای منجر به تجزیه‌ی « ایران بزرگ » عبارتند از :

قرارداد گلستان (۱۸۱۳ م / ۱۱۹۲ خ) : برپایه‌ی این قرارداد، بخش بزرگی از سرزمین‌های قفقاز به اشغال روس‌ها در آمد.

قرارداد ترکمان‌چای (۱۸۲۸ م / ۱۲۰۶ خ) یا قرارداد تجزیه‌ی سرتاسری قفقاز

قرارداد پاریس (۱۸۵۷ م / ۱۲۳۵ خ) : برپایه‌ی این قرارداد، دیوار جدایی میان مردم ایران و افغانستان کشیده شد.

تجزیه‌ی مکران و بلوچستان (۱۸۷۱ م / ۱۲۵۰ خ)

تجزیه‌ی سیستان (۱۸۷۳ م / ۱۲۵۲ خ)

قرارداد گولسته‌ی آنخال (۱۸۸۱ م / ۱۲۶۰ خ) : تجزیه‌ی سرتاسری سرزمین‌های خوارزم و فرارود و الحاق آن سرزمین‌ها به امپراتوری روسیه تزاری.

از آن جایی که در فراگشت تجزیه در سده‌ی سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی)، پای‌تخت دولت ایران در شهر تهران قرار داشت، با هر تجزیه و جدایی، نام «ایران» برای باقی مانده‌ی آن بخش که در برگرفته‌ی پای‌تخت یعنی «تهران» بود باقی ماند.

از این رو، در سال‌های اخیر به دلیل عدم روشن‌گری لازم، دو مفهوم «دولت ایران» از گاه کهن تا تجزیه‌ی این واحد در قرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) و دولت حاصل از تجزیه (به دلیلی که در بالا گفته شد)، در یک‌دیگر تداخل کرده و در نتیجه سبب ایجاد بدفهمی‌ها و کژفهمی‌های بسیاری شده است.

بدین‌سان، برای «بازماندگان» دولت ایران از گاه کهن تا همین سال‌های اخیر، این توهم ایجاد شده است که منظور از واژه‌ی ایران، سرزمین و دولت

کنونی ایران است .

از این رو ، باید که میان دو نام همسان ؛ اما با مفهوم ناهمسان ، فرق گذارد . شاید راه این است که از دولت ایران ، از عهد کهن تا سده ی سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) ، به نام « ایران بزرگ » یا « ایران واحد (یگانه) » نام ببریم . اما باید دانست برگزیدن هر یک از این نام ها و یا هر نام دیگری که بتواند فرق میان این دو مفهوم (با نام همسان ولی درون مایه ی ناهمسان ، به گونه ای که یکی ، جزیی از دیگری است و نه همه ی آن) را آشکار کند ، دربرگیرنده ی انجمن همه ی فرزندان این پدر است . این همان چیزی است که اهمیت آن برای تاریخ نگاری و بررسی پیشینه ی کهن مردمانی که امروزه از هم جدا افتاده اند و در واحدهای سیاسی گوناگون زندگی می کنند ، بیش از هر زمان دیگر احساس می شود .

با توجه به این که فرزندان این پدر ، بسیارند و شاید پاره ای از آن ها ، در اثر قرار گرفتن زیر سلطه ی بیگانه و یا تحت تبلیغات بیگانگان ، از « اصل خود » دور افتاده اند ، می بایست برای باز جستن « روزگار و سلی » مراکزی فعال در خانه های این « فرزندان » برپا گردیده و این کار سترگ را به انجام برند . فرزندان « پدر » ، این مردمان اند و در حال حاضر ، در این واحدهای سیاسی زندگی می کنند :

نخست - در منطقه ی قفقاز :

جمهوری آذربایجان (اران)

جمهوری ارمنستان

جمهوری گرجستان

سرزمین های ضمیمه ی خاک فدراسیون روسیه : داغستان ،

اوستی شمالی ، چینستان ، اینگوشستان ، قبادرین -
بالخارستان ، کراچی - چرکستان ، آدیغه و ...

دوم - در خوارزم و فرارود :

جمهوری ترکمنستان

جمهوری ازبکستان

جمهوری تاجیکستان

بخش‌های ضمیمه‌ی جمهوری‌های قزاقستان و قرقیزستان

سوم - افغانستان

چهارم - ایران (کنونی)

پنجم - بخش‌هایی از مکران و بلوچستان و نیز
سرزمین‌های تجزیه شده از افغانستان که ضمیمه‌ی خاک
جمهوری پاکستان است و ...

ششم - کردها و دیگر مردمان سرزمین‌های بخش‌های
تجزیه شده از سوی دولت عثمانی در میان رودان و غرب
« ایران زمین » .

هفتم - بحرین (گله جزیره و بحرین کرانه‌ای)

از آن جا که هنوز چنین انجمنی میان فرزندان پدر به عمل نیامده است ، از
این رو در این کتاب که بخش کهن تاریخ ایران را در برمی گیرد ، مراد و
مقصود از واژه‌ی « ایران » ، دولت ایران بزرگ است که مرزهای تاریخی و
جغرافیایی آن ، بسیار فراتر از موجودیت کنونی سرزمین ایران و کمابیش
منطبق با مرزهای فلات ایران می‌باشد و دولت امروزی ایران تنها بخشی از
آن است .

چنان که در تاریخ بلند ایران دیده می‌شود، به دنبال هر فروپاشی دولت فراگیر ملی، نیروی پیش‌ران (فلسفه‌ی) تاریخ ایران که تا پیش از تجزیه، معطوف به نگاهداری و نگاهبانی از وحدت بود، در راه بازسازی وحدت آغاز به کار می‌کند.

بدون هرگونه دودلی، بر پایه‌ی تجربه‌ی دراز تاریخی و نیز فلسفه‌ی تاریخ ایران، دوباره وحدت همه‌ی سرزمین‌های ایرانی‌نشین و همه‌ی مردمان ایرانی‌تبار (در مفهوم گسترده‌ی آن) برپا خواهد شد؛ اگر چه سده‌ها به درازا بکشد و قالب درخور «روز و زمان» به خود گیرد. این فرمان تاریخ است و ایدون خواهد بود.

کتابی را که در دست دارید، تاریخ ایران کهن است. یعنی آن بخش از تاریخ ایران زمین که پژوهش‌های لازم درباره‌ی آن انجام نگرفته است.

تاریخ ایران باستان را نخستین بار شادروان استاد حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، به گستردگی نوشت که کاری بود و هست، درخور ستایش بسیار. به دنبال استاد و با بهره‌گیری از آگاهی‌های داده شده از سوی استاد، کار پژوهش و بررسی تاریخ‌نویسی درباره‌ی ایران باستان بالا گرفت و امروزه کتاب‌ها، نوشته‌ها و مقاله‌های بسیاری در این زمینه، در اختیار داریم و این پژوهش‌ها و بررسی‌ها، هم‌چنان پی‌گرفته می‌شوند.

درباره‌ی دوران نو نیز کتاب، نوشته‌ها و مقاله‌های بسیارتری وجود دارند و هر روز، بر شمار آنان افزوده می‌شوند.

باید گفت که این کتاب، نخستین نوشتار گسترده درباره‌ی تاریخ ایران کهن است.

ویرایش نخست این کتاب در خرداد ماه ۱۳۸۳ زیر نام «تاریخ تمدن و فرهنگ ایران کهن» منتشر شد و سپس در بهار ۱۳۸۶، به چاپ دوم رسید. اما آن چه امروزه در دست دارید، ویرایش دوم آن است که با ویرایش

نخست (چاپ یکم و دوم) ، از نظر گنج (حجم) ، آگاهی‌ها و تنظیم مطلب‌ها ، تفاوت کلی دارد و ...

در این کتاب ، هر کجا که اشاره به « گاث‌ها » ، « یسنه » ، « یشت‌ها » ، « ون‌هی‌داد » و ... است ، از برگردان شیوا و دلکش استاد ارجمند ، دکتر جلیل دوست‌خواه بهره گرفته شده است ؛ مگر آن که به منبع دیگری اشاره شده باشد. در پی‌نوشت‌ها ، به‌گونه‌ی کوتاه به بن‌نبشت‌ها (مآخذ) اشاره گردیده است . در صورت نیاز به دانستن عنوان کامل بن‌نبشت‌ها ، کتاب‌نامه به پایان این پژوهش ، افزوده شده است .

در این پژوهش ، در کنار تاریخ میلادی (میلاد مسیح) ، تاریخ هجری (هجرت پیامبر از مکه به مدینه) و نیز تاریخ زرتشتی (میلاد زرتشت) در راستای هم به کار گرفته شده‌اند .